رابطهٔ سبک‌های هویت با خودکارآمدپنداری دانش‌آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و افغانی ساکن قم

سهراب عبدی‌زرین*، نسترن ادیب‌راد**، سیدجلال یونسی***، علی عسگری****

طرح مسئله: *هدف از تحقیق حاضر مقایسهٔ سبک‌های هویت، خودکارآمدپنداری (فردی و جمعی)، بهداشت روانی و موفقیت تحصیلی به صورت مقایسه‌ای در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و افغانی ساکن قم بود.*

روش: *جامعهٔ مورد مطالعه شامل دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهر قم در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶بود که ۱۶۸۱۳ نفر بودند. نمونه مورد مطالعه شامل ۲۳۱ دانش‌آموز پسر ایرانی و ۱۳۲ دانش‌آموز پسر افغانی بود که با استفاده از نمونه گیری چند مرحله‌ای مورد مطالعه قرار گرفت. ابزار پژوهش آزمون سبک‌های هویت برزونسکی(تجدید نظر شده توسط وایت و همکاران در سال ۱۹۸۹)، پرسش‌نامهٔ خودکارآمدپنداری فردی بندورا(۱۹۹۷) و پرسش‌نامهٔ خودکارآمدپنداری جمعی کیم و پارک(۱۹۹۹) بود. داده‌ها با آزمونهای همبستگی پیرسون، z فیشر و تحلیل واریانس چند متغیری تحلیل شد.*

یافته‌ها: *نتایج در سطح ۹۹٪ اطمینان نشان داد که رابطهٔ بین سبک هویت اطلاعاتی و سبک هویت هنجاری با خودکارآمدپنداری فردی و جمعی و نیز رابطهٔ دو متغیر اخیر در دو گروه مستقیم و معنادار بود. از طرفی بین سبک هویت سردرگم و تعهد هویت در سطح ۹۵٪ اطمینان رابطهٔ منفی و معنادار بود. میزان همبستگی بین سبک هویت اطلاعاتی با خودکارآمدپنداری جمعی و سبک هویت هنجاری با خودکارآمدپنداری فردی و جمعی در دانش‌آموزان افغانی قوی‌تر از دانش‌آموزان ایرانی بود. بین سبک‌های هویت و خودکارآمدپنداری فردی و جمعی در دوگروه تفاوت معناداری به دست نیامد. در متغیرهای بهداشت روانی و موفقیت تحصیلی تفاوت معنادار بود که دانش‌آموزان پسر دبیرستانی افغانی در دو متغیر ذکر شده وضعیت بهتری داشتند.*

نتایج: *نتایج نشان می‌دهد که در سبک‌های هویت و خودکارآمدپنداری تفاوت بین دانش‌آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و افغانی نیست اما در متغیرهای بهداشت روانی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پسر دبیرستانی افغانی وضعیت بهتری داشتند.*

کلیدواژه‌ها: بهداشت روانی، خودکارآمدپنداری جمعی، خودکارآمدپنداری فردی، سبک‌های هویت، موفقیت تحصیلی.

تاریخ دریافت: ۸۷/۶/۱۴ ***تاریخ پذیرش:*** ۸۹/۲/۱۱

* دانشجوی دکتری مشاوره شغلی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی <elmzarrin5@gmail.com>
** دکتر مشاوره، دانشگاه شهید بهشتی
*** دکتر روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
**** دکتری روان شناسی تربیتی، دانشگاه تهران

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

مقدمه

نوجوانی[1] مرحلهٔ انتقالی بین کودکی و بزرگسالی است(بیابانگرد،۱۳۸٤). چون عوامل زیستی، روانی و اجتماعی تؤاماً در بروز دورهٔ نوجوانی دخالت دارند،تعیین سن دقیقی برای آغاز و پایان آن امکان پذیر نیست(شفیع آبادی،۱۳۷۹). ورود به دورهٔ نوجوانی با تغییرات مهمی از جمله بلوغ[2] جنسی، روابط صمیمانه با همسالان، ریسک کردن و توانایی‌های جدید شناختی همراه است. این تغییرات، نوجوانان را وادار می‌سازد که به یگانگی و ثبات در تعریف خود بیندیشند و به دنبال آن باشند تا هویت[3] خود را بسازند (Berger, 2001).در این دوره، نوجوان به تصمیم‌گیری و برنامه ریزی در حوزه‌های شغلی، مذهبی، سیاسی و ازدواج می‌پردازد (Marcia, 1967). برای اولین بار موضوع هویت به صورت دقیق توسط اریکسون (Erikson) در سال ۱۹۵۰ مطرح شد (رحیمی‌نژاد،۱۳۷۹). اریکسون «وحدت هویت[4]» و «بحران هویت[5]» را تعارض عمده دوران نوجوانی می‌داند و نوجوانی دوران هویت‌یابی است و هویت عبارت است از «یک احساس نسبتاً پایدار از یگانگی خود» (شهرآرای،۱۳۸٤). هویت دارای سه کارکرد اساسی است: افزایش توان گزینشی، ایجاد امکان ارتباط با دیگران، نیرو بخشی و انعطاف‌پذیری انسان (سجادی، ۱۳۸٤).

مطالعاتی در زمینهٔ رشد هویت وجود دارد که تفاوت‌های فردی مهمی را در رفتار و ویژگی‌های فردیتی بین دانش‌آموزان دبیرستانی آشکار ساخته است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که دانش‌آموزانی که در اندازه گیری هویت نمرهٔ بالای میانگین می‌آورند موفق‌تر، قابل اعتمادتر، سازگارتر، خودکارآمدتر و از لحاظ فردیتی منسجم‌تر (بهداشت روانی بالاتر) از دانش‌آموزانی هستند که نمرات هویت آن‌ها پایین‌تر از حد متوسط است (شهرآرای،۱۳۸٤).

1. adolesence 2. puberty 3. identity
4. identity integration 5. identity crisis

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

در مطالعه بر روی مکزیکی‌ها، آسیایی‌ها، آفریقایی‌های آمریکایی تبار در سنین دبیرستان و دانشگاهی، آن‌هایی که موفق به حل مسئلهٔ دست‌یابی به هویت شده بودند به طور معناداری در مقیاس سازگاری روان شناختی نمرات بالایی به دست آوردند. یافته‌ها نشان می‌دهند که زمینه‌های اجتماعی تجربه‌های نوجوانان در تجربه روان شناختی بحران هویت نقش دارند(شهرآرای،۱۳۸٤).

با توجه به مطالب مطرح شده سئوال اساسی تحقیق به این صورت است که آیا در سبک‌های هویت، خودکارآمدپنداری فردی، خودکارآمدپنداری جمعی، بهداشت روانی و موفقیت تحصیلی بین دانش‌آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و دانش‌آموزان پسر دبیرستانی افغانی ساکن قم تفاوت معناداری وجود دارد؟

چارچوب نظری

سبک‌های هویت

برزونسکی و کاک با بررسی زیربناهای شناختی ـ اجتماعی وضعیت سبک‌های هویت[1]، سه سبک اطلاعاتی[2]، هنجاری[3] و سردرگم ـ اجتنابی[4] را فرض نمود این سبک‌ها در واقع شیوه‌های شناختی ـ اجتماعی برای پردازش اطلاعات مرتبط با خود هستند (Berzonesky & Kulk , 2000).

سبک اطلاعاتی: ظاهراً سازگارانه‌ترین سبک می‌باشد و سازوکار کنار آمدن برای ادارهٔ موقعیت‌های روزانه است. افراد با سبک هویت اطلاعاتی، به صورت فعال و آگاهانه به جستجوی اطلاعات و ارزیابی آنها می‌پردازند و سپس اطلاعات مناسب را مورد استفاده قرار می‌دهند (Berzonesky & Nieimeyer , 1990). جهت‌گیری هویت اطلاعاتی با تعمق دربارهٔ خود، تلاش‌های مقابله‌ای مسئله مدار، سبک معرفتی منطقی، احساس نیاز به شناخت، پیچیدگی شناختی، تصمیم‌گیری هدفمند، وظیفه‌شناسی، پذیرش و هویت موفق رابطه مثبت نشان می‌دهد(Berzonesky & Kulk , 2000).

1. identity styles
2. informational style
3. normative style
4. diffuse / avoidant style

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

سبک هنجاری: بر پایهٔ تقلید و پیروی از افراد مهم در زندگی فرد بنا شده است و شامل یک دیدگاه بستهٔ ذهنی و خودپنداری ثابت و سرکوب‌کنندهٔ اکتشاف است. این روش بسیار نزدیک به وضعیت تفویض اختیار مارسیا است. نوجوانان با سبک هویت هنجاری، نسبت به موضوعات هویتی و تصمیم‌گیری‌ها به هم‌نوایی[1] با انتظارات و دستورات افراد مهم و گروه‌های مرجع می‌پردازند. آن‌ها به طور خودکار، ارزش‌ها و عقاید را بدون ارزیابی آگاهانه می‌پذیرند و درونی می‌کنند؛ تحمل کمی برای مواجه شدن با موقعیت‌های جدید و مبهم دارند و نیاز بالایی برای بسته نگه داشتن ساختار خود نشان می‌دهند(Berzonesky, 1992).

سبک سردرگم ـ اجتنابی: نماد برخورد طفره‌آمیز در مشکلات است. راهبردهای متمرکز بر هیجان که با سطح پایینی از تعهد و اعتماد به نفس و نیز بی‌ثباتی خودپنداری همراه می‌باشد. افراد با سبک هویت سردرگم ـ اجتنابی، تعلّل و درنگ می‌کنند و تا حد ممکن سعی در اجتناب از پرداختن به موضوعات هویت و تصمیم‌گیری دارند (Berzonesky & Nieimeyer, 1990). به نظر برزونسکی و فراری(Ferrari) در موقعیت‌های تصمیم‌گیری، آن‌ها ضمن اطمینان کمی که به توانایی شناختی خود دارند، معمولاً پیش از تصمیم‌گیری، احساس ترس و اضطراب نیز دارند و در تصمیم‌گیری معمولاً از راهبردهای تصمیم‌گیری نامناسب مانند اجتناب کردن، بهانه آوردن و دلیل تراشی استفاده می‌کنند (حجازی و فرتاش،۱۳۸۵).

تعهد[2]، یک چارچوب ارجاعی از ارزش‌ها و باورهاست که ممکن است خودساخته یا تجویز شده از جانب دیگران باشد(Berzonesky, 1994). به نظر بورن (Boren) تعهد بر مبنای فرآیند تصمیم‌گیری شامل اتخاذ نظر، انتخاب و ردکردن قرار دارد. «تعهد عبارتست از تثبیت و اتخاذ تصمیم‌هایی نسبتاً بادوام و سرمایه‌گذاری شخصی روی این تصمیم‌ها» (جوادی، ۱۳۸۷).

1. conforming 2. commitment

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

خودکارآمدپنداری

پژوهش واترمن (Waterman) به طور ثابتی ارتباط روشنی را بین حالات پیشرفته‌تر هویت با سطح رشد خود، عملیات صوری، استدلال اخلاقی و خودکارآمد پنداری[1] نشان داده است (شهرآرای، ۱۳۸٤).

از نظر بندورا خودآمدپنداری مشخص می‌کند که انسان‌ها چگونه در خود انگیزه ایجاد می‌کنند و احساس، فکر و رفتار می‌کنند. خودکارآمدپنداری بالا، روی فرایندهای پایه شناختی، انگیزش، هیجان و فرایندهای گزینشی آنان اثر می‌گذارد. این‌که ما معیارهای رفتارمان را تا چه اندازه‌ای درست برآورد کرده باشیم، خودکارآمدپنداری ما را تعیین می‌کند(Bandura , 1980).

خودکارآمدپنداری به این معنی است که شخص تصور کند قادر است پدیده‌ها و رویدادها را به منظور رسیدن به وضعیت مطلوب خود، با رفتار و کردار مناسب سازمان دهد. خودکارآمدپنداری به دو بخش یعنی خودکارآمدپنداری فردی[2] و خودکارآمدپنداری جمعی[3] تقسیم می‌شود(Bandura , 1997). از آن‌جا که افراد هم به صورت فردی و هم به صورت جمعی عمل می‌کنند، خودکارآمدپنداری می‌تواند هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی مفهوم‌سازی شود. خودکارآمدپنداری جمعی، ادراک‌های مشترک اعضای گروه را نشان می‌دهد که با قابلیت عمل‌کرد نظام اجتماعی به عنوان یک کل مرتبط است و با تکالیف گروهی، تلاش‌ها و افکار مشترک اعضای گروه و پیشرفت گروه‌ها مرتبط است (Bandura , 2002).

به اعتقاد کیم و پارک(Kim & Park) خودکارآمدپنداری جمعی از شرایط و قرارگاه‌های تربیتی مانند خانواده و محیط‌های آموزشی و گروه همسالان تأثیر می‌پذیرد(نقل از مرتضوی،۱۳۸۳: ٤٧). از جمله عوامل تأثیرگذار بر خودکارآمدپنداری عوامل فرهنگی است. تأثیر فرهنگ در خودکارآمدپنداری قابل توجه است زیرا خانواده، مدرسه، شغل در مقایسه

1. self-efficacy belief 2. personal self-efficacy belie 3. collective self-efficacy belief

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

با نظام فراگیر فرهنگی، نظام‌های خردتر محسوب می‌شوند و از آن تأثیر می‌پذیرند. تأثیر متقابل فرهنگ به عنوان نظام فراگیر از یکسو و نظام‌های خردتر مانند خانواده، مدرسه و نیز نظام‌های شغلی از سوی دیگر نابرابر است و نظام‌های کلان نظام‌های خردتر را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهند تا بر عکس. از این دیدگاه لازم است در پژوهش ساختارهای روان شناختی به تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی توجه شود (مرتضوی،۱۳۷۰).

مهاجرت و اقلیت

عواملی چون جدایی از والدین، از دست دادن کار و یا مهاجرت اجباری از عوامل اجتماعی هستند که تأثیرات زیادی بر سلامت روانی افراد دارند. زمانی که افراد با تغییرات و چالش‌هایی چون یادگیری زبان جدید، تفاوت‌های فرهنگی و هنجاری، دور شدن از فرهنگ آبا و اجدادی روبرو می‌شوند، برای آن‌ها فرآیند سازگاری استرس‌زا است. چنانچه این افراد در فرایند سازگاری دچار مشکل شوند با استرس همراه خواهد بود که بر سایر شیوه‌های زندگی آن‌ها مؤثر است (لهسایی‌زاده و مرادی، ۱۳۸٦).

گروه‌های اقلیت که در اثر مهاجرت‌ها و پناهندگی به وجود می‌آیند گروه‌هایی هستند که چهرهٔ جسمانی و عادات فرهنگی آنان برخلاف گروه غالب است و این امر موجب برخورد نابرابر و متفاوت با آنان می‌شود که رفتار و برخورد نابرابر عنصر اساسی در مفهوم جامعه شناختی گروه اقلیت است (کوئن، ۱۳۷۹). پناهندگان افغانی نزدیک به دو پنجم جمعیت پناهندهٔ دنیا را تشکیل می‌دهند و شمار آن‌ها پنج میلیون نفر می‌باشد. نزدیک به سه میلیون افغانی در پاکستان و دوونیم میلیون از این افراد در ایران سکنی گزیده‌اند (نظری تاج آبادی،۱۳۷۹).

پدیدهٔ مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه، به‌ویژه ایران، یکی از اشکال مهاجرت بین‌المللی است که در دهه‌های اخیر، روند صعودی داشته است. این نوع مهاجرت از آن نظر که زائیدهٔ عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متعدّد می‌باشد قابل

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

توجه است(جمشیدی‌ها وعنبری،۱۳۸۳). گسترده و پیچیده بودن جوامع و از گروه‌های اقلیت بودن می‌تواند بر جریان شکل‌گیری هویت تأثیرگذار باشد(حاجی،۱۳۸٤: ۷۳). وقتی نوجوانان اقلیت‌های قومی از لحاظ روان شناختی و اجتماعی حمایت می‌شوند مسائل دوگانهٔ هویتی را حل می‌کنند(شهرآرای، ۱۳۸٤).

مشکلات اجتماعی ناشی از مهاجرت، بسیار زیاد و گوناگون است. محرومیت‌هایی که بوم گزینان تجربه می‌کنند، عدم پذیرش جامعهٔ جدید و وجود ضعف‌های احتمالی اخلاقی در محیط قبلی مهاجران، موجب اقدام به جنایت یا اشکال دیگر رفتار ضد اجتماعی آن‌ها می‌شود (وحیدی،۱۳۸٤). نوجوانان دارای پیشینه کم ارزش(گروه اقلیت)، طی دوره‌های شکل‌گیری هویت بار سنگینی را متحمل می‌شوند. در بین این گروه‌ها حمایت کلی اجتماعی بر اثر اکتشاف فعال کم است واین مانعی است برای کسب هویت. نوجوان دارای پیشینه قومی اقلیت، منابع کمکی (رسانه‌های جمعی و...) اندکی دارد و با تعارضات روان شناختی بزرگ‌تری روبرو می‌شود. برنامه‌های مدرسه اغلب می‌توانند کمک کننده باشند (شهرآرای، ۱۳۸٤). از طرف دیگر این‌که زندگی کردن به صورت یک فرهنگ اقلیت یا داشتن عضویت گروهی متضاد، لزومی بر تأثیر نامطلوب در تشکیل هویت ندارد (شولتز و شولتز،۱۳۸۳).

به هر حال در بسیاری از موارد، ارزش‌های فرهنگی منتقل شده از کشور اصلی، برای خود بوم گزینان به قدر کافی قوی است و زد و خوردها و کشمکش‌های ناشی از عدم ادغام فرهنگی و جنایت با شدت بیشتر در نسل دوم ظاهر می‌شود. فرزندان از دو جهت کشیده می‌شوند، آن‌چه در مدرسه و خارج از خانه فرا می‌گیرند اغلب در تضاد با آن چیزی است که در محیط خانواده می‌آموزند. نتیجه این است که این نسل، کم‌تر از والدین خود پیرو قانون است. میزان خودکشی‌ها و بیماری‌های روانی، در بین بوم گزینان بیش‌تر از جمعیت بومی است. در سوئد احساس شده است که بوم گزینان هویت ملی کشور و نیز تعادل اجتماعی، سیاسی و مذهبی داخلی آن را در معرض خطر قرار داده‌اند (وحیدی، ۱۳۸٤).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

مدل دیگری در زمینهٔ مهاجرت مطرح شده است که به نظریهٔ جذب و دفع[1] در مهاجرت نام‌گذاری شده است و طبق این مدل عوامل جاذبه از جمله زبان و فرهنگ مشترک، دین مشترک و امکاناتی که جامعه مقصد برای آن‌ها در نظر گرفته است، می‌توانند تسهیل کنندهٔ سازگاری مهاجرین باشد و از سوی دیگر، طبق این مدل عوامل دافعه مانع جذب مهاجرین در جامعهٔ مقصد یا مهاجرپذیر می‌گردد (جمشیدی‌ها وعلی بابائی،۱۳۸۱).

شبکهٔ اجتماعی

در دیدگاه دیگر شبکهٔ اجتماعی یعنی دوستی با سایر مهاجران برای یافتن شغل و سازگاری با محیط جدید و دوستان و همسایگانی که مهاجرت کرده‌اند. به عنوان عوامل حمایتی هزینهٔ مهاجرت را کاهش خواهد داد(Oishi, 2002). از دیدگاه پادیلا تماس بین مهاجران و جامعهٔ مقصد منجر به پذیرش یکی از دو فرهنگ (فرهنگ مقصد یا فرهنگ مبدأ) و در نتیجه تغییر در فرهنگ دیگر می‌شود(Padilla, 2003). نظریهٔ شبکهٔ اجتماعی مطرح می‌کند که وجود شبکه‌های اجتماعی منجر به حمایت‌های عاطفی، دوستی‌ها و فرصت‌هایی برای اعمال معنی دار اثر بسیار مهمی بر عزت نفس افراد مهاجر، افزایش توان مقابلهٔ افراد مهاجر با مشکلات زندگی و افسردگی‌ها داشته و در نهایت به احساس سلامت روانی منجر می‌شود. به عبارت دیگر شبکهٔ اجتماعی، نوعی سرمایهٔ اجتماعی را برای مهاجران فراهم می‌آورد که در این شبکه‌ها از حمایت، اعتماد و روابط عاطفی با سایر افراد برخوردار می‌شوند(Carolin, et al., 2000).

راگلر مطرح می‌کند که جدایی افراد از شبکه‌های اجتماعی اولیه، خانوادگی و همسایگی خود با گسترش و توسعهٔ نوعی شبکه اجتماعی جدید در جامعهٔ میزبان همراه می‌باشد و موفقیت در بازسازی شبکهٔ اجتماعی جدید در جامعهٔ میزبان، اثرات منفی روانی مانند ترک کردن شبکه خویشاوندی و بیماری‌های روانی را کاهش می‌دهد(Rogler, 1994).

1. pull and push theory

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

بهداشت روانی

بهداشت روانی آن حالت بهزیستی است، که افراد قادر می‌باشند به راحتی درون جامعه شان عمل کنند و پیشرفت‌ها و خصوصیات شخصی برایشان رضایت‌بخش باشد(کاپلان و سادوک، ۱۳۸۵).

از نظر دوویچ (Deutch) و فیشمن(Fishman) ملاک‌های مهم بهداشت روانی عبارتند از: الف)شناخت خود و محیط ب)استقلال فردی ج)رفتار بهنجار و منطبق با معیارهای جامعه د) یکپارچگی شخصیت. آلپورت(Alport) از افراد برخوردار از بهداشت روان به انسان بالغ یاد می‌کند. از نظر وی افراد سالم در سطح معقول و آگاه عمل کرده، از قید و بندهای گذشته آزادند و نسبت به نیروهایی که آن‌ها را هدایت می‌کنند، آگاهی داشته و می‌توانند برآن‌ها چیره شوند(گنجی،۱۳۸۲).

پیشینهٔ تحقیق

در مطالعهٔ برزونسکی و کاک دانشجویان با سبک اطلاعاتی در مقایسه با دانشجویان با سبک‌های هنجاری و سردرگم در مقیاس‌های خودمختاری تحصیلی، خودبسندگی، مهارت‌های مدیریت مؤثر زندگی، احترام و تحمل افراد متفاوت از خود، ایجاد روابط صمیمانه، استقلال هیجانی و اعتماد به نفس نمرات بالاتری به دست آوردند. در مقایسه با دانشجویان با سبک‌های هویت سردرگم، دانشجویان با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری در مقیاس‌های اهداف تحصیلی، واقع بینی، نقشه‌های طولانی مدتی دربارهٔ زندگی و اهداف و روابط پایدار با همسالان خود نمرات بالاتری نشان می‌دهند (Berzonesky & Kulk , 2000).

پژوهش‌های بسیاری به رابطه مثبت بین خودکارآمدپنداری و عمل‌کرد تحصیلی اشاره داشته‌اند. نتایج یک مطالعه دربارهٔ رابطهٔ بین سبک‌های هویت و خودکارآمدپنداری نشان داد که خودکارآمدپنداری با سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه مثبت و با سبک

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

هویت سردرگم ـ اجتنابی رابطه منفی دارد. به بیان دیگر سبک‌های هویت توانایی پیش‌بینی خودکارآمدپنـداری تحـصیلی را دارنـد.(حجـازی، فارسـی نـژاد و عـسگری،۱۳۸٦). دولینگر(Dolinger) بیان می‌کند وقتی سبک هویت هنجاری با یک باور نیرومند نـسبت بـه توانایی‌ها (خودکارآمدپنداری) همراه باشد مـی‌توانـد بـر پیـشرفت تحـصیلی اثـر بگـذارد (حجازی وهمکاران، ۱۳۸٦).

برخی مطالعات نشان می‌دهد که افراد با سبک هویت هنجاری سازگار و وظیفه شناس بوده و همچنین مفاهیم خود آن‌ها پایدار و زودرس اسـت(Berzonesky & Kulk , 2000). ولوراس و بوسما نشان دادند کـه بـین افـراد بـا سـبک‌هـای هویـت اطلاعـاتی و هنجـاری در مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی تفاوت معناداری وجود نـدارد (Vleioras & Bosma,2005). نورومی(Nuromi) در بررسی رابطهٔ بین سبک هویت و راهبردهای شـناختی و رفتـاری بـا سلامت روان به این نتیجه رسیدند که افراد با سبک هویـت اطلاعـاتی، سـطح بـالاتری از عزت نفس دارند. افراد با سبک هویت هنجاری، خودپندارهٔ باثبات‌تـری دارنـد و افـراد بـا سبک هویت سردرگم ـ اجتنابی افسردگی بیش‌تری داشـتند. همچنـین مـشخص شـد کـه راهبردهای اسنادی و شناختی ناکارآمد، انتظار شکست و روش‌های نامناسب پـرداختن بـه تکلیف (مؤلفه‌های خودکارآمدپنداری پایین)، با عزت نفس پایین، خودپنـداره بـی ثبـات و نشانگان افسردگی همبستگی مثبت داشت. نتایج کلی نشان داد که شـناخت و رفتـاری کـه افراد در سـبک‌هـای مختلـف هویـت بـه کـار مـی‌برنـد، بـا سـلامت روان آن‌هـا ارتبـاط دارد(برزگری، ۱۳۸٦). به اعتقاد برزونسکی افرادی که بر سبک هویـت اطلاعـاتی و سـبک هویت هنجاری تکیه می‌کنند، تعهدات هویت قوی‌تر و روشن‌تری نسبت به افراد سردرگم ـ اجتنابی کسب کرده‌اند. کمبود تعهدات اسـتوار در افـراد سـردرگم/ اجتنـابی، آنـان را در موقعیت آسیب‌پذیری قرار می‌دهـد. گرچـه اسـتفاده از سـبک‌هـای پـردازش اطلاعـاتی و هنجاری، هر دو با تعهد هویت همبستگی مثبـت دارد، امـا شـکل‌گیـری و مانـدگاری ایـن تعهدات، مبتنی بر فرآیندهای متفاوتی است (حجازی و فرتاش،۱۳۸۵).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

افراد با سبک هویت سردرگم ـ اجتنابی نماد برخورد طفره‌آمیز در مشکلات است. راهبردهای متمرکز بر هیجان که با سطح پایینی از تعهد و اعتماد به نفس و نیز بی‌ثباتی خودپنداری همراه می‌باشد. افراد با سبک هویت سردرگم ـ اجتنابی، تعلّل و درنگ می‌کنند و تا حد ممکن سعی در اجتناب از پرداختن به موضوعات هویت و تصمیم‌گیری دارند(Berzonesky & Nieimeyer, 1990). برزونسکی و فراری بیان می‌کنند در موقعیت‌های تصمیم‌گیری، آن‌ها ضمن اطمینان کمی که به توانایی شناختی خود دارند، معمولاً پیش از تصمیم‌گیری، احساس ترس و اضطراب نیز دارند و در تصمیم‌گیری معمولاً از راهبردهای تصمیم‌گیری نامناسب مانند اجتناب کردن، بهانه آوردن و دلیل تراشی استفاده می‌کنند (حجازی و فرتاش،۱۳۸۵). سبک‌های پردازش هویت نیز چارچوبی برای عمل کردن فرد در محیط فراهم می‌آورند و بیان‌گر نظریهٔ ضمنی دربارهٔ خود هستند. بنابراین ملاحظه می‌شود که خودکارآمدپنداری جزئی از این نظریهٔ ضمنی به حساب می‌آید(حجازی وهمکاران، ۱۳۸٦).

تحقیقات چا(Chae) در زمینهٔ تعلق داشتن به گروه‌های قومی و اقلیت‌ها اشاره به تفاوت‌هایی در جریان شکل‌گیری هویت، هم بین افراد متعلق به آن قومیت و هم گروه‌های اقلیت و قومی با گروه اکثریت دارد. البته مسئلهٔ قومیت‌ها بر عکس متغیرهای دیگر در بین تحقیقات جایگاه کم‌تری به خود اختصاص داده است. تعداد زیادی از محققان، نقش مؤلفه‌های مختلف را (به عنوان مثال جهت‌گیری مذهبی و سیاسی) در شکل‌گیری هویت مطالعه نموده‌اند. البته تعدادکمی از محققان نقش مهم قومیت را در شکل‌گیری هویت مورد بررسی قرارداده‌اند (حسین‌نژاد، ۱۳۸۵).

در مطالعه‌ای که بر روی ۵۱۳ نوجوان مکزیکی الاصل که در ایالات متحده زندگی می‌کردند صورت گرفت مشخص شد که عوامل بوم‌شناختی، اجتماعی شدن قومی خانواده و خودمختاری در کسب هویت قومی نوجوانان مؤثر بود. همچنین اجتماعی شدن قومی خانواده با کسب هویت قومی خانواده رابطهٔ مثبت معناداری داشت. این یافته‌ها پیشنهاد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

می‌کند که عوامل بوم شناختی به طور غیر مستقیم از طریق اجتماعی شدن قـومی خـانواده در کسب هویت قومی مؤثر است(Umana – Tailor & Fine ,2004)

فینی(Feni) با مطالعهٔ تعداد بسیار زیادی از نوجوانان (۱۲۳۸٦ نفر) تأثیر هویت قومی را بر حرمت خود، اعتماد به خود در تحصیل (خودکارآمدی تحصیلی) و هدف زندگی در سه گروه آمریکایی سفیدپوست، سیاه‌پوستان و اسپانیایی زبانها و گروه سوم آسیایی‌هـای مقـیم آمریکا مورد بررسی قرار دادند. نتیجهٔ این پژوهش نشان داد که آمریکایی‌های سفیدپوسـت در پایین‌ترین، سیاه‌پوستان و اسپانیایی‌زبان‌ها از بالاترین میزان هویـت قـومی و آسـیایی‌هـا درحد متوسط از هویت قومی برخوردار بوده‌اند(رحیمی نژاد،۱۳۷۹).

در مطالعه‌ای که بر روی مسلمانان پاکستانی مقیم انگلیس صورت گرفـت و در جهـت فهم این هدف بود که چگونه شهروندی به عنوان مدلی از هویت به وسیله افراد در رابطه با هویت ملی، اسلامی و قومی زمینه‌یابی می‌شود. در ایـن بـاره دو نـسل متفـاوت از هویـت شهروندی مشخص شد به گونه‌ای که نسل دوم هویت انگلیسی قوی به عنـوان شـهروندان انگلیسی با حقوق طبیعی شهروند متولـد انگلـیس داشـتند. در مقابـل آن نـسل اول کـه از پاکستان مهاجرت کرده‌اند و هویت خود را به عنوان شهروند بیان مـی‌کننـد امـا بـه کـشور بیگانه تعلق ندارند، آن‌ها در آن‌جا زندگی می‌کنند به خاطر این‌که حالا فرزندانشان انگلیسی هستند(Bagguley&Hussain ,2005).

تحقیق تامپسون و همکاران درباره بهداشت روان مهاجران فیلیپینی مقیم استرالیا نـشان داد که از طرف دیگر عواملی چون حمایت اجتمـاعی، پیونـدهـای مـشترک ماننـد هویـت فرهنگی، زبان و علایق مشترک می‌تواند در سازگاری مهاجران و در نتیجـهٔ بهداشـت روان آن‌ها نقـش مهمـی داشـته باشـد(Thompson, et al., 2002). تحقیـق سـیلورا و آلبـک بـر بهداشت روانی مهاجران سومالی مقیم لندن نـشان داد کـه عـواملی چـون حمایـت پـایین خانوادگی، دست‌رسی محدود و نامناسب به خدمات جمعی، تحقیر اجتماعی، حمایـت پـایین اجتماعی، از دست دادن خویشاوندان و دوستان و فاصلهٔ جغرافیـای از از خـانواده و بـستگان در آشفتگی روانی مهاجران نقش مؤثر دارند(silvera & Allbech, 2001).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

تحقیقی که بر سلامت روان مهاجران شهر کرمانشاه صورت گرفت نشان داد که سلامت روانی مهاجرانی که به همراه خانواده خود مهاجرت کرده بودند بیش‌تر از سلامت روانی افرادی بود که به تنهایی اقدام به مهاجرت کرده بودند که یکی از دلایل آن کمبود شبکه‌های اجتماعی و در نتیجهٔ کمبود حمایت‌های اجتماعی برای افرادی است که به تنهایی اقدام به مهاجرت کرده بودند (لهسایی‌زاده و مرادی،۱۳۸٦).

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعهٔ آماری شامل کلیهٔ دانش‌آموزان پسر ایرانی و افغانی دبیرستان‌های قم در سال تحصیلی۸۷-۱۳۸٦ است. تعداد کل دانش‌آموزان متوسطهٔ دولتی قم ۳٦۵۹۸ نفر می‌باشد که از این تعداد ۱۹۷۵۸ نفر دختر و ۱٦۸۱۳ نفر پسر می‌باشند. جمع کل دانش‌آموزان پسرمتوسطه سال اول ۸٤٦۷، سال دوم ۳۷٦۵ و سال سوم ۳۷٤۳ نفر می‌باشد که از این بین تعداد دانش‌آموزان افغانی پسر در سال اول متوسطه ٤۹۳، در سال دوم متوسطه ۳۳۸ و در سال سوم متوسطه ۲۸۱ نفر که در مجموع تعداد کل دانش‌آموزان پسر متوسطهٔ افغانی ۱۱۱۲ نفر است. تعداد کل نمونه‌های انتخاب شده ۳٦۳ نفر است که از این تعداد ۲٦۱ نفر دانش‌آموز ایرانی و ۱۳۲ نفر دانش‌آموز افغانی می‌باشد. این نمونه‌ها به صورت نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند.

روش جمع آوری داده‌ها

الف) پرسش‌نامه سبک‌های هویت[1] (ISI-6G)

این پرسش‌نامهٔ برای اولین بار به وسیلهٔ برزونسکی(۱۹۸۹) ساخته شد و سپس دوباره توسط خود او مورد تجدید نظر قرار گرفت. این پرسش‌نامه ٤۰ آیتم دارد که ۱۱ آیتم آن

1. identity styles questionnaire

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

در ارتباط با سبک هویت اطلاعاتی، ۱۰ آیتم آن در ارتباط با سبک هویت سردرگم ـ اجتنابی و ۹ آیتم آن مربوط به سبک هویت هنجاری است. علاوه بر سه سبک هویت ۱۰ آیتم نیز در ارتباط با تعهد هویت است که برای تحلیل ثانویه استفاده می‌شود و یک سبک هویتی محسوب نمی‌شود. پاسخ‌ها بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای تنظیم شده است. برزونسکی آلفای کرونباخ ۰/٦۲ را برای سبک هویت اطلاعاتی و آلفای ۰/٦٦ را برای سبک هویت هنجاری و آلفای ۰/۷۳ را برای سبک هویت سردرگم ـ اجتنابی گزارش کرد. وایت[1] و همکاران (۱۹۹۸) برای نسخهٔ تجدید نظر شدهٔ پرسش‌نامهٔ سبک هویت، آلفای کرونباخ ۰/۵۹، ۰/٦٤، ۰/۷۸ را برای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/ اجتنابی و آلفای کرونباخ ۰/۷٦ را برای تعهد هویت به دست آوردند (Berzonesky, 1992).

فارسی‌نژاد (۱۳۸۳)، آلفای کرونباخ ۰/۷۷ را برای سبک هویت اطلاعاتی، ۰/٦۰ را برای سبک هویت هنجاری، ۰/٦٦ را برای سبک هویت سردرگم ـ اجتنابی و آلفای کرونباخ ۰/٦۸ را برای تعهد هویت گزارش داد(نقل از میرزاجانی،۱۳۸٦).

ب) پرسش‌نامهٔ خودکارآمدپنداری فردی

پرسش‌نامهٔ خودکارآمدپنداری فردی بندورا (۱۹۹۷) که ٤۲ گویه دارد. در این پرسش‌نامه از یک مقیاس هفت درجه‌ای (خیلی کم =۱، متوسط =٤، تا خیلی زیاد =۷) استفاده می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامهٔ خودکارآمدپنداری بندورا توسط مرتضوی از مجموع داده‌های ایرانی (۸۹۵ نمونه) محاسبه شد که ۰/۹۲ گزارش شد(مرتضوی،۱۳۸۳). در تحقیق دیگری آلفای کرونباخ ۰/۹۳ برای این پرسش‌نامه گزارش شده است(خاکسار،۱۳۸٤). همچنین احمدیان آلفای کرونباخ ۰/۸۷ را برای این پرسش‌نامه گزارش داد. واین عدد در نمونه‌های خارجی(غربی و کره‌ای) بین ۰/۸۳ تا ۰/۹۲ گزارش شده است (احمدیان،۱۳۸۵).

1. White

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

روایی این آزمون از طریق تحلیل عوامل داده‌های ۸۹۵ نفر از دانش‌آموزان و نیز ترجمه به فارسی و برگرداندن ترجمه به انگلیسی مورد تأیید قرار گرفته است. تحلیل عوامل داده‌ها به این صورت بود که می‌توان این پرسش‌نامه را به چند خرده مقیاس تقسیم کرد و در واقع در چند حوزهٔ خودکارآمد پنداری را سنجید که تحلیل عوامل روایی را در خرده مقیاس‌ها تایید کرد و از مجموع آن‌ها خودکارآمدپنداری فردی به صورت کلی بدست می‌آید. (مرتضوی،۱۳۸۳).

ج) پرسش‌نامهٔ خودکارآمدپنداری جمعی

پرسش‌نامهٔ خودکارآمدپنداری جمعی کیم و پارک (۱۹۹۹) که ۱۳ گویه دارد و در این پرسش‌نامه همانند پرسش‌نامه خودکارآمدپنداری فردی از یک مقیاس هفت درجه‌ای (خیلی کم =۱، متوسط =٤، تا خیلی زیاد =۷) استفاده می‌شود. این پرسش‌نامه برای جامعهٔ ایرانی توسط مرتضوی در سال ۱۳۸۳ هنجاریابی شده است. ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه خودکارآمدپنداری جمعی توسط مرتضوی از مجموع داده‌های ایرانی(۸۹۵ نمونه) محاسبه شد که ۰/۸۳ گزارش شد(مرتضوی،۱۳۸۳). در تحقیق دیگری آلفای کرونباخ ۰/۸۱ گزارش شده است (خاکسار،۱۳۸٤). احمدیان آلفای کرونباخ ۰/۸٤ را برای نمونه‌های خارجی (غربی و کره‌ای) گزارش کرده است (احمدیان،۱۳۸۵). روایی این آزمون از طریق تحلیل عوامل داده‌های ۸۹۵ نفر از دانش‌آموزان و نیز ترجمه به فارسی و برگرداندن ترجمه به انگلیسی مورد تأیید قرار گرفته است. تحلیل عوامل داده‌ها به این صورت بود که می‌توان این پرسش‌نامه را به دو خرده مقیاس تقسیم کرد و در واقع در دو حوزهٔ خودکارآمدپنداری را سنجید که تحلیل عوامل روایی را در دو خرده مقیاس تأیید کرد و از مجموع آن‌ها خودکارآمدپنداری جمعی به صورت کلی به دست می‌آید (مرتضوی،۱۳۸۳).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

د) چک لیست بهداشت روانی کومار[1]

این چک لیست توسط کومار تهیه شده است و ٦ وضعیت روانی و ٥ وضعیت جسمانی را ازطریق طیف لیکرت مورد سنجش قرار می‌دهد سپس نمرهٔ A(نمرهٔ روانی) و نمرهٔ B(وضعیت جسمانی) و یک نمرهٔ کل از جمع دو وضعیت بدست می‌آید. توجه شود که نمرهٔ متغیر بهداشت روانی به صورت معکوس است یعنی هرچه نمرهٔ فرد بیش‌تر باشد نشان دهندهٔ مشکلات روانی بیش‌تر است و هر چه نمرهٔ فرد کم‌تر باشد وضعیت روانی بهتری دارد این چک لیست پیش از این توسط منصور و عبدی زرین استفاده شده است (منصور و عبدی زرین،١٣٨٦).

و) موفقیت تحصیلی

برای سنجش موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان معدل تحصیلی ملاک قرار گرفت. به این صورت که چون دانش‌آموزان در زمان اجرای تست در شروع ترم دوم بودند معدل ترم اول آن‌ها ملاک ارزیابی قرار گرفت.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تحلیل داده‌ها برای بررسی رابطهٔ بین سبک‌های هویت، خودکارآمدپنداری فردی و جمعی، بهداشت روانی و موفقیت تحصیلی در هر یک از گروه‌ها از آزمون همبستگی استفاده شد و نیز برای مقایسه همبستگی بین سبک‌های هویت، خودکارآمدپنداری، بهداشت روانی و موفقیت تحصیلی در دو گروه از آزمون z فیشر استفاده شد. در واقع این آزمون به طور دقیق میزان تفاوت رابطهٔ بین متغیرها را در دو گروه نشان می‌دهد. از آزمون آماری MANOVA (تحلیل واریانس چند متغیره) برای مقایسه و تجزیه و تحلیل داده‌های

1. kumar mental health check list

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

مربوط به متغیرها در دو گروه استفاده شد. آزمون آماری مـانوا یـا تحلیـل واریـانس چنـد متغیره قادر است متغیرهای مستقل و وابسته را که دو یا چند سطح دارند بررسی کند.

جدول ۱- اطلاعات مربوط به سال تحصیلی، رشتهٔ تحصیلی و محل تولد دانش‌آموزان

سال تحصیلی	کل دانش آموزان		دانش آموزان ایرانی		دانش آموزان افغانی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
اول	۱٤۸	٤۰/۸	۱۱۲	٤۸	۳٦	۲۷/۳
دوم	۱۱۲	۳۰/۹	٦۲	۲٦/۸	۵۰	۳۷/۹
سوم	۱۰۳	۲۸/٤	۵۷	۲٤/۷	٤٦	۳٤/۸
جمع	۳٦۳	۱۰۰	۲۳۱	۱۰۰	۱۳۲	۱۰۰
رشته تحصیلی	کل دانش آموزان		دانش آموزان ایرانی		دانش آموزان افغانی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
اول	۱٤۸	٤۰/۸	۱۱۲	٤۸/۵	۳٦	۲۷/۳
ریاضی	۷۹	۲۱/۸	٤٦	۱۹/۹	۳۳	۲۵
تجربی	٦٤	۱۷/٦	۲٦	۱۱/۳	۳۸	۲۸/۸
انسانی	۷۲	۱۹/۸	٤۷	۲۰/۳	۲۵	۱۸/۹
جمع	۳٦۳	۱۰۰	۲۳۱	۱۰۰	۱۳۲	۱۰۰
محل تولد	کل دانش آموزان		دانش آموزان ایرانی		دانش آموزان افغانی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
قم	۲٤۸	٦۸/۵	۱۵۵	٦۷/۱	۹۳	۷۰/۵
شهرهای دیگر ایران	۹۳	۲۵/٤	۷٦	۳۲/۹	۱۷	۱۲/۹
افغانستان	۲۲	٦/۱	–	–	۲۲	۱٦/٦
جمع	۳٦۳	۱۰۰	۲۳۱	۱۰۰	۱۳۲	۱۰۰

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

یافته‌ها

به منظور آزمون این فرضیه که بین سبک‌های هویت، خودکارآمدپنداری فردی وخودکارآمدپنداری جمعی در هر دو گروه رابطهٔ مستقیم وجود دارد از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است زیرا متغیرهای سبک‌های هویت، خودکارآمدپنداری فردی و خودکارآمدپنداری جمعی در سطح مقیاس فاصله‌ای اندازه‌گیری شده اند. خلاصهٔ محاسبات مربوط به آزمون پیرسون در جدول ۲ و ۳ نشان داده شده است.

جدول۲- ضرایب همبستگی متقابل سبک‌های هویت، خودکارآمدپنداری فردی وخودکارآمدپنداری جمعی، بهداشت روانی دوران بلوغ و موفقیت تحصیلی در دانش‌آموزان ایرانی

	M	SD	۱	۲	۳	٤	٥	٦	۷	۸
۱ـ سبک اطلاعاتی	٤۱/۲۲	٦/۰۷	۱							
۲ـ سبک هنجاری	۳٥/٥۷	٤/۸۳	۰/٤۲۳**	۱						
۳ـ سبک سردرگم	۲۹	۷/۱۲	۰/۱۱۷	۰/۲۱۳**	۱					
٤ـ تعهدهویت	۳۳/۱٤	۳/٦۲	۰/۰۳٤	۰/۰٦٥	-۰/۱۳٥*	۱				
٥ـ خ. فردی	۱۹٤/۸٦	۳۳/٥۳	۰/۱۸۷**	۰/۲۱۹**	-۰/۰۹۲	۰/۱۱۹	۱			
٦ـ خ.جمعی	٦٤/۷۱	۱۱/٤۸	۰/۲٥٦**	۰/۲۱۰**	-۰/۱۳۰	۰/۰۷۹	۰/۷۱۹**	۱		
۷ـ بهداشت فردی	۲۳/۲۰	٥/٦۱	-۰/۱۰٤	-۰/۰۸۸	۰/۰۰٦	-۰/۰۱۷	۰/۰٤۳	-۰/۰۰٥	۱	
۸ـ موفقیت تحصیلی	۱٥/٤۷	۲/۱۹	-۰/۰۲۲	۰/۰۷۷	-۰/۰۹٦	-۰/۰۷۲	۰/۱۷٥*	۰/۰٥٦	۰/۱۰۲	۱

* $p \leq ۰/۰٥$ ** $p \leq ۰/۰۱$

چنانچه در جدول ۲ دیده می‌شود در بین دانش‌آموزان ایرانی بالاترین میزان همبستگی بین دو سبک اطلاعاتی و هنجاری است که هر دو از سبک‌های موفق به حساب می‌آیند همان‌طور که ملاحظه می‌شود این دو سبک هویت با خودکارآمدپنداری فردی وخودکارآمدپنداری جمعی در سطح کم‌تر از ۰/۰۱ رابطهٔ مستقیم معنادار دارند. بین سبک هنجاری و سردرگم در سطح کم‌تر از ۰/۰۱ رابطهٔ معنادار مستقیم وجود دارد. بین تعهد هویت و سبک سردرگم ضریب همبستگی منفی مشاهده می‌شود یعنی بین این دو در سطح کمتر از ۰/۰٥ رابطهٔ منفی معنادار بدست آمده است. ضریب همبستگی بین دو متغیر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

خودکارآمدپنداری فردی وخودکارآمدپنداری جمعی برابر ۰/۷۱۹ که در سطح کمتر از ۰/۰۱ از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت هر چه میزان خودکارآمدپنداری فردی بالاتر باشد میزان خودکارآمدپنداری جمعی هم بالاتر است. متغیر بهداشت روانی با هیچکدام از متغیرهای دیگر همبستگی ندارد اما متغیر موفقیت تحصیلی با خودکارآمدپنداری فردی رابطهٔ مستقیم دارد.

جدول ۳- ضرایب همبستگی متقابل سبک‌های هویت، خودکارآمدپنداری فردی وخودکارآمدپنداری جمعی، بهداشت روانی دوران بلوغ و موفقیت تحصیلی در دانش‌آموزان افغانی

	M	SD	۱	۲	۳	٤	٥	٦	۷	۸
۱ـ سبک اطلاعاتی	٤۱/٥۲	٦/۸۳	۱							
۲ـ سبک هنجاری	۳٥/۱۸	٥/۱٦	۰/٤۳۰**	۱						
۳ـ سبک سردرگم	۲۸/٥٥	۷/۲۸	۰/۱۰٦	۰/۱٦۳	۱					
٤ـ تعهدهویت	۳٤/۰۳	٤/۰٦	۰/۱٤۷	۰/۳٥۱**	-۰/۱۳۷	۱				
٥ـ خ. فردی	۱۹٥/۲۰	۳٤/۳٦	۰/٤۲۰**	۰/٤٥۳**	-۰/۰٥۲	۰/۳۷۳**	۱			
٦ـ خ.جمعی	٦۳/۱۱	۱۲/۸۰	۰/٤۷٤**	۰/٥۳۹**	-۰/۱۸٦	۰/۳٤۰**	۰/۷۰٦**	۱		
۷ـ بهداشت فردی	۲۱/٥۸	٥/۹۸	۰/۰۷۱	۰/۱۷۹	-۰/۰۷٤	-۰/۱٤٦	-۰/۱٥٤	-۰/۱۲۲	۱	
۸ـ موفقیت تحصیلی	۱٥/۸۱	۱/۹٤	۰/۰۰۹	-۰/۱٤۷	۰/۰۰٤	-۰/۰۰٥	۰/۱۲۹	-۰/۰۱۹	-۰/۱۰۹	۱

* p ≤ ./۰٥ ** p ≤ ./۰۱

چنانچه در جدول ۳ دیده می‌شود در بین دانش‌آموزان افغانی بالاترین میزان همبستگی بین دو سبک اطلاعاتی و هنجاری است که هر دو از سبک‌های موفق به حساب می‌آیند همان‌طور که ملاحظه می‌شود این دو سبک هویت با خودکارآمدپنداری فردی وخودکارآمدپنداری جمعی در سطح کم‌تر از ۰/۰۱ رابطهٔ مستقیم معنادار دارد. بین تعهد هویت و سبک هنجاری ضریب همبستگی خوبی مشاهده می‌شود و بین تعهد هویت و سبک سردرگم ضریب همبستگی خوبی مشاهده نمی‌شود که ضریب همبستگی منفی مشاهده می‌شود و بین این دو در سطح کم‌تر از ۰/۰۵ رابطهٔ منفی معنادار به دست آمده است. ضریب همبستگی بین دو متغیر خودکارآمدپنداری فردی وخودکارآمدپنداری جمعی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

در دانش‌آموزان افغانی برابر ۷۰۶/. که در سطح کمتر از ۰۱/. از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت هر چه میزان خودکارآمدپنداری فردی بالاتر باشد میزان خودکارآمدپنداری جمعی هم بالاتر است. متغیرهای بهداشت روانی و موفقیت تحصیلی با هیچکدام از متغیرهای دیگر همبستگی ندارند.

در ادامه برای این‌که مشخص شود بین ضرایب همبستگی دو گروه (دانش‌آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و دانش‌آموزان پسر دبیرستانی افغانی) که در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است تفاوت وجود دارد از آزمون z فیشر استفاده گردید که نتایج مربوط به آزمون در جدول ٤ ارائه شده است.

جدول ٤- نتایج آزمون z فیشر برای مقایسهٔ ضرایب همبستگی متقابل بین دانش‌آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و دانش‌آموزان پسر دبیرستانی افغانی

همبستگی‌ها	ضریب همبستگی		Zr	
	گروه ایرانی	گروه افغانی	گروه ایرانی	گروه افغانی
سبک اطلاعاتی و سبک هنجاری	۰/٤۲۳	۰/٤۳۰	۰/٤۵۲	۰/٤٦۰
سبک سردرگم و تعهد هویت	-۰/۱۳۵	-۰/۱۳۷	-۰/۱۳٦	-۰/۱۳۸
سبک اطلاعاتی و خودکارآمدپنداری فردی	۰/۲۸۷	۰/٤۲۰	۰/۲۹۵	۰/٤٤۸
سبک اطلاعاتی و خودکارآمدپنداری جمعی	۰/۲۵٦	۰/٤۷٤	۰/۲٦۲	۰/۵۱٦
سبک هنجاری و خودکارآمدپنداری فردی	۰/۲۱۹	۰/٤۵۳	۰/۲۲۳	۰/٤۸۹
سبک هنجاری و خودکارآمدپنداری جمعی	۰/۲۱۰	۰/۵۳۹	۰/۲۱۳	۰/٦۰۳
خودکارآمدپنداری فردی و جمعی	۰/۷۱۹	۰/۷۰٦	۰/۹۰٦	۰/۸۷۹

با توجه به داده‌های جدول فوق چون مقدار z به دست آمده (۰/۰۰۰۷-) برای مقایسهٔ ضریب همبستگی سبک اطلاعاتی و سبک هنجاری از z جدول (۱/۹٦) کوچک‌تر است بنابراین تفاوتی در رابطهٔ بین سبک هویت اطلاعاتی و سبک هویت هنجاری در دانش‌آموزان ایرانی و افغانی وجود ندارد. مقدار z بدست آمده(۰/۰۰۰۱) برای مقایسهٔ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

ضریب همبستگی سبک سردرگم و تعهد هویت از z جدول (۱/۹۶) کوچک‌تر است بنابراین تفاوتی در رابطه بین سبک هویت سردرگم و تعهد هویت در دانش‌آموزان ایرانی و افغانی وجود ندارد. مقدار z به دست آمده (۱/۴۰-) برای مقایسه ضریب همبستگی سبک اطلاعاتی و خودکارآمدپنداری فردی از z جدول (۱/۹۶) کوچک‌تر است بنابراین تفاوتی در رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی و خودکارآمدپنداری فردی در دانش‌آموزان ایرانی و افغانی وجود ندارد. مقدار z به دست آمده(۲/۳۳-) برای مقایسهٔ ضریب همبستگی سبک اطلاعاتی و خودکارآمدپنداری جمعی از z جدول (۱/۹۶) بزرگتر است بنابراین در رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی و خودکارآمدپنداری جمعی در دانش‌آموزان ایرانی و افغانی تفاوت معنادار وجود دارد و رابطهٔ بین سبک هویت اطلاعاتی و خودکارآمدپنداری جمعی در دانش‌آموزان افغانی قوی‌تر از همان رابطهٔ در دانش‌آموزان ایرانی است. مقدار z به دست آمده(۲/۴۴-) برای مقایسهٔ ضریب همبستگی سبک هویت هنجاری و خودکارآمدپنداری فردی از z جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر است بنابراین در رابطه بین سبک هویت هنجاری و خودکارآمدپنداری فردی در دانش‌آموزان ایرانی و افغانی تفاوت معنادار وجود دارد و رابطه بین سبک هویت هنجاری و خودکارآمدپنداری فردی در دانش‌آموزان افغانی قوی‌تر از همان رابطه در دانش‌آموزان ایرانی است. چون مقدار z به دست آمده(۳/۵۷-) برای مقایسهٔ ضریب همبستگی سبک هویت هنجاری و خودکارآمدپنداری جمعی از z جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر است بنابراین در رابطهٔ بین سبک هویت هنجاری و خودکارآمدپنداری جمعی در دانش‌آموزان ایرانی و افغانی تفاوت معنادار وجود دارد و رابطهٔ بین سبک هویت هنجاری و خودکارآمدپنداری جمعی در دانش‌آموزان افغانی قوی‌تر از همان رابطه در دانش‌آموزان ایرانی است. با توجه به داده‌های جدول فوق چون مقدار z به دست آمده(۰/۲۴) برای مقایسه ضریب همبستگی خودکارآمدپنداری فردی و خودکارآمدپنداری جمعی از z جدول (۱/۹۶) کوچک‌تر است، بنابراین در رابطهٔ بین خودکارآمدپنداری فردی و خودکارآمدپنداری جمعی در دانش‌آموزان ایرانی و افغانی تفاوت معنادار وجود ندارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

سئوال اصلی تحقیق این بود که آیا در سبک‌های هویت، خودکارآمدپنداری فردی، خودکارآمدپنداری جمعی، بهداشت روانی و موفقیت تحصیلی بین دانش‌آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و دانش‌آموزان پسر دبیرستانی افغانی ساکن قم تفاوت معناداری وجود دارد؟ برای آزمودن این سئوال از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد.

جدول ۵- نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره برای تفاوت سبک‌های هویت، خودکارآمدپنداری فردی و خودکارآمدپنداری جمعی در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و دانش‌آموزان پسر دبیرستانی افغانی

منبع پراش	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	sig
سبک اطلاعاتی	۰/٦۲۲	۱	۰/٦۲۲	۰/۰۱۷	۰/۸۹۵
سبک هنجاری	۰/۰٤۹	۱	۰/۰٤۹	۰/۰۰۲	۰/۹٦۲
سبک سردرگم	٤۱	۱	٤۱	۰/۸۱۱	۰/۳٦۹
تعهدهویت	۳۵	۱	۳۵	۲/۳٦	۰/۱۲۵
خودکارآمدپنداری فردی	۲۳	۱	۲۳	۰/۰۲۰	۰/۳۳۷
خودکارآمدپنداری جمعی	۱۲۹	۱	۱۲۹	۰/۱٤۱	۷/۸۸
بهداشت روانی دوران بلوغ	۲۷	۱	۲۷	٦/۸۸	۰/۰۰۹
موفقیت تحصیلی	۱۳۰	۱	۱۳۰	٤/۰۳	۰/۰٤۵

نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در سبک‌های هویت، خودکارآمدپنداری فردی و خودکارآمدپنداری جمعی در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و دانش‌آموزان پسر دبیرستانی افغانی وضعیت بهتری دارند و تفاوت به دست آمده بین دو گروه معنادار است.

بحث

اکثر تحقیقات صورت گرفته (Berzonesky & Nieimeyer , 1990) (Berzonesky & Kulk , 2000) (Berzonesky, 1992). (Berzonesky, 1994) . (حجازی، فارسی‌نژاد و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

عسگری،۱۳۸٦)، (برزگری، ۱۳۸٦)، (حجازی و فرتاش،۱۳۸۵) همسو با نتیجه این فرضیه می‌باشدکه بین سبک‌های هویت موفق‌تر یعنی سبک اطلاعاتی و هنجاری با خودکارآمدپنداری فردی و جمعی رابطهٔ مستقیم وجود دارد و می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های هویت موفق‌تر پیش‌بینی مناسبی برای خودکارآمدپنداری فردی و جمعی بالا هستند. از طرف دیگر تعهد هویت در این دو سبک هویت نسبت به سبک سردرگم بیش‌تر است که بین سبک هویت سردرگم و تعهد هویت رابطه منفی معنادار به دست آمد.

در ادامه، نتایج آزمون z فیشر نشان داد که میزان همبستگی بین سبک هویت اطلاعاتی با خودکارآمدپنداری جمعی و سبک هویت هنجاری با خودکارآمدپنداری فردی و خودکارآمدپنداری جمعی در دانش‌آموزان افغانی قوی‌تر از دانش‌آموزان ایرانی بود. همچنین نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در بهداشت روانی و موفقیت تحصیلی بین دانش‌آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و دانش‌آموزان پسر دبیرستانی افغانی مشاهده می‌شود که دانش‌آموزان پسر دبیرستانی افغانی وضعیت بهتری دارند.

اوشی شبکه اجتماعی (Oishi, 2002)، پادیلا تماس بین مهاجران و جامعهٔ مقصد (Padilla, 2003)، کارولین شبکه‌های حمایت اجتماعی که منجر به سرمایه اجتماعی، اعتماد و روابط عاطفی با سایر افراد می‌شود (Carolin, et al., 2000)، راگلر تشکیل و بازسازی شبکه‌های جدید اجتماعی در جامعهٔ میزبان (Rogler, 1994)، اومانا تیلور و فاین عوامل بوم‌شناختی، اجتماعی شدن قومی خانواده و خودمختاری(Umana – Tailor & Fine ,2004) تامپسون و همکاران عواملی چون حمایت اجتماعی، پیوندهای مشترک مانند هویت فرهنگی، زبان و علایق مشترک (Thompson, et al., 2002)، سیلورا و آلبک عواملی چون حمایت خانوادگی، دسترسی مناسب به خدمات جمعی، عدم تحقیر اجتماعی، حمایت اجتماعی نزدیکی به خویشاوندان(silvera & Allbech, 2001) و لهسایی‌زاده و مرادی مهاجرت خانوادگی (لهسایی‌زاده و مرادی،۱۳۸٦) را به عنوان عواملی ذکر کرده‌اند که می‌توانند در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

سازگاری مهاجرین و در نتیجه بهداشت روانی آنها مؤثر واقع شود ذکر کرده‌اند و بـه نظـر می‌رسد وجود این عوامل در ایران منجر شده است که مهـاجرین افغـانی بـه ویـژه جامعـهٔ مورد تحقیق یعنی دانش‌آموزان دبیرستانی که نسل دوم مهاجرین افغانی را تشکیل می‌دهنـد توانسته‌اند خود را با فرهنگ و جامعهٔ ایرانی سازگار کنند که با یافته‌های حسین و بـاگولی همسو است(Bagguley&Hussain ,2005).

از طرف دیگر طبق مدل جذب و دفع در مهاجرت، افغانی‌ها تحت تأثیر عوامل جـاذب از جمله زبان و فرهنگ مشترک، دین مشترک و امکانات رفاهی قرار گرفته‌انـد و از سـوی دیگر، طبق این مدل عوامل دافعه‌ای که مانع جذب افغانی‌ها در جامعهٔ ایرانی شـود وجـود ندارد(جمشیدیها وعلی بابائی،۱۳۸۱).

پیشنهادها

پیشنهاد می‌شود تحقیقات بعدی به صورت مقایسه‌ای بر روی نوجوانان دختر انجـام شـود. در صورت امکان مقایسه‌ای بین نوجوانان دختر ایرانی و افغانی باشد. حتی مقایسه‌ای بـین نوجوانان پسر افغانی و دختر افغانی صورت پذیرد.

پیشنهاد می‌شود تحقیقاتی در مورد دانش‌آموزان مـدارس خـودگردان افغـانی صـورت گیرد که این مدارس تحت نظارت سفارت کبری افغانستان است و معلمان آنها نیز افغـانی هستند.

پیشنهاد می‌شود جمعیت دیگری به غیر از جمعیت دانش‌آموزان افغانی، به عنوان مثـال نوجوانان کارگر افغانی با جمعیت دانش‌آموزان افغانی و هم چنین نوجوانان کـارگر ایرانـی مورد مطالعه و مقایسه قرار گیرد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

منابع و مآخذ

References

- احمدیان، طه(۱۳۸۵). **رابطهٔخودکارآمدپنداری، خلاقیت و رشته تحصیلی در دانش‌آموزان متوسطه نظری**، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- برزگری، حشمت (۱۳۸٦). **بررسی رابطهٔباورهای جنسیتی و سبک‌های هویت با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دختر و پسر پایه دوم دبیرستان‌ای دولتی جنوب تهران**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- حاجی، منصور(۱۳۸٤). **بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌یری وضعیت‌های هویتی در دانش‌آموزان متوسطه مهاباد در سال ۸۳-۱۳۸۲**؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- حجازی،الهه؛ فرتاش سهیلا (۱۳۸۵). تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های هویت، تعهد هویت و کیفیت دوستی، **فصلنامه پژوهش زنان**، دوره٤، شماره۳، پاییز۱۳۸۵، ۷٦-٦۱.
- حجازی، الهه؛ فارسی نژاد، معصومه؛ عسگری، علی(۱۳۸٦). سبک‌های هویت و پیشرفت تحصیلی: نقش خودکارآمدپنداری تحصیلی، **فصلنامه روانشناسی٤٤** سال یازدهم، شماره٤، زمستان ۱۳۸٦،صص٤۱۳-۳۹٤.
- حسین‌زاد، یژن(۱۳۸۵). **رابطهٔ هویت وپیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان ۱۸-۱۵ ساله**، پایان نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- جمشیدیها، غلامرضا؛علی بابائی،یحیی(۱۳۸۱). **بررسی عوامل مؤثر بر بازگشت مهاجرین افغانی با تکیه بر ساکنین شهرک گلشهر مشهد**، نامهٔ علوم اجتماعی، شمارهٔ ۲۰، پاییز و زمستان۱۳۸۱،صص۹۰-۷۱.
- خاکسار بلداجی،محمد علی(۱۳۸٤). **رابطه سبک‌های یادگیری، خودکارآمدپنداری و رشته تحصیلی در دانش‌آموزان متوسطه نظری**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- رحیمی‌نژاد، عباس (۱۳۷۹). **بررسی تحول هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان کارشناسی**، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

منابع و مآخذ References

- سجادی، سید مهدی(۱۳۸٤). کثرت‌گرایی فرهنگی، هویت و تعلیم و تربیت، **فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی**، شماره۱، بهار ۱۳۸٤ ، صص ۳۸-۲۵.
- شهر آرای، مهرناز(۱۳۸٤). **روان شناسی رشد نوجوان**، نشر علمی، تهران.
- شولتز، دوان؛ شولتز، سیدنی آلن(۱۳۸۳). **نظریه‌های شخصیت**، ترجمه سید محمدی، یحیی، نشر ویرایش، تهران.
- منصور، لادن؛ عبدی زرین، سهراب(۱۳۸٦). شیوع مشکلات روانی دوران بلوغ در دانش‌آموزان پسر منطقه ۱ تهران، **فصلنامه علوم بهزیستی و توانبخشی** ؛سال اول، شماره۲، صص٤۲ -۳۷.
- گلاسر، ویلیام (۱۳۸۰). **مدارس بدون شکست**، ترجمه حمزه سادات، انتشارات رشد، تهران.
- لهسایی زاده، عبدالعلی؛ مرادی، گلمراد(۱۳۸٦). رابطهٔ سرمایه اجتماعی و سلامت روان در مهاجران، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال هفتم، شماره ۲٦، صص ۱۸۰-۱٦۱.
- مرتضوی، شهرناز(۱۳۷۰). **آشنایی با روان شناسی بین فرهنگی**، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- مرتضوی، شهرناز(۱۳۸٤). **ارتباطات خانوادگی ، ارزشهای فرهنگی و خودپنداره؛(گزارش فرصت مطالعاتی)**، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- میرزاجانی، زهرا (۱۳۸٦). **رابطه کارکرد خانواده و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه شهرستان ساوه در سال تحصیلی ۸٦-۸۵**، دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، تهران.
- وحیدی، پریدخت (۱۳۸٤) . **مهاجرت بین المللی و پیامدهای آن**، انتشارات وزارت برنامه و بودجه، تهران .
- Bandura , A .(2002). Social cognitive theory in cultural context; **Applied international review**. psychology; 2, 43-58.
- Bandura , A.(1997). **Self – efficacy : The exercise of control**; New York: freeman.
- Bandura , A.(1980). Gating the relationship between self-efficacy judgment and action. **Cognitive therapy and research** ; 4,263-268 .
- Berger, K.S. (2001). **The developing person through the life span**; New York: worth publishers.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

References

منابع و مآخذ

- Berzonsky,M,D(1994).Self-identity: Ralationship between process and content. **Journal of Research in Personality**,28,453-460.
- Berzonsky,M,D(1992). Identity style and coping strategies. **Journal of Personality**,60,771-778
- Berzonsky, M.D & G. J. Nieimeyer.(1990). **Self-constractionover the life-span: A process perspective on identity information;** New York: worth publishers.
- Berzonsky, M.D; & Kulk, L. S. (2000). Identity status and identity processing style , and the transition to university, **Journal of Adolescent Research**, 15(1), 81-98.
- Caroline, B.B.(2000), **Migration Theory: Talking Across Discipline**, NewYork, Rouledge.
- Hussain.Y, Bagguley.P(2005). Citizen ship, Ethnicity and Identity. **Sociology**, vol.39, no.3,407-425(2005).
- Marcia ,J,E.(1967).Ego identity status: Relationship to change in self-esteem,"genral maladjustment" and authoritarianism. **Journal of Personality**, 35,118-133.
- Oishi, N. (2002), "**Gender and Migration: A Integration Approach Center of Comparative Immigration Studies**", University of California, San Diago,Working Paper.49.
- Padilla, M. A. & Perez, W. (2003), "Acculturation, Social Identity and Social Cognition: A New Perspective", **Hispanic Journal of Behavioral Sciences**,Vol. 25, No. 1.
- Rogler, l. H. (1994), "International Migration: A Framework for Directing Research", **American Psychology**, Vol. 49.
- Silvera, E. & Allebech, P. (2001), "Migration, Aging and Mental Health: An Ethnographic Study on Perceptions of Life Satisfaction, Anxiety and Depression in Older Somali Men in East London", **International Journal of Social Welfare**, Vol. 10.
- Thompson, S. et al. (2002), "The Social and Cultural Context of the Mental Health of Filipinas in Queensland", **Australian and New Zeland Journal of Psychology**, Vol. 36.
- Umana-Tailor Adriana J, Fine Mark A(2004).Examining ethnic identity among Mexican-origin adolescents living in the United states, Hispanic, **Journal of behavioral science**.vol.26,iss.1;pg.36
- Vleioras G, Bosma H. A, (2005). Are identity styles important for psychological well-being? . **Journal of adolescence**, 28, 379- 409.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]